

بررسی تأثیر اشتغال زنان ارامنه بر روابط درون خانواده در شهر تهران

سید یعقوب موسوی^۱

آدینه ادیب^۲

تاریخ وصول: ۹۷/۰۴/۲۷

تاریخ پذیرش: ۹۷/۰۷/۲۵

چکیده

هدف اصلی تحقیق حاضر بررسی تأثیر اشتغال زنان ارامنه بر روابط در خانواده آن‌ها در شهر تهران می‌باشد. پژوهش حاضر بر اساس هدف، مطالعه مقطعی و از نظر روش اجرا از نوع پژوهش کمی است. جامعه آماری آن تعداد ۱۲۰ نفر از زنان شاغل متأهل ارامنه ساکن شهر تهران انتخاب و برای به دست آوردن حجم نمونه از روش تصادفی گلوله برفی استفاده شد و ابزار گردآوری اطلاعات، پرسشنامه می‌باشد. روایی آن به روش اعتبار محتوا و پایایی آن با ملاک آلفای کرونباخ برابر ۰/۷۳ برآورد گردید. نتایج نشان داد بین نوع اشتغال، سطح درآمد و انگیزه‌های اشتغال با نوع مناسبات، انجام کار خانگی و الگوی قدرت رابطه وجود دارد. بین انگیزه مالی و انجام کار خانگی رابطه‌ای مثبت ولی با نوع مناسبات و الگوی قدرت رابطه‌ای ضعیف، بین انگیزه اجتماعی با نوع مناسبات و الگوی قدرت رابطه‌ای ضعیف ولی با انجام کار خانگی رابطه‌ای منفی، بین انگیزه شخصیتی با نوع مناسبات رابطه‌ای ضعیف، ولی با انجام کار خانگی رابطه منفی ولی با الگوی قدرت رابطه مثبت وجود دارد. وجود آمارها نشان‌گر آن است که زنان شاغل ارامنه، رسیدگی به مسئولیت‌های خانوادگی را مقدم بر هر انگیزه‌ای در زندگی خود می‌دانند.

واژگان کلیدی: زنان شاغل ارامنه، خانواده، روابط در خانواده، انجام کار خانگی، الگوی قدرت.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

symousavi35@gmail.com

۱- دانشیار جامعه‌شناسی، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران. (نویسنده مسئول).

۲- دانش‌آموخته کارشناسی ارشد مطالعات زنان، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

مقدمه

خانواده، مجموعه‌ای از افراد است که در یک فضای مادی و روانی باهم زندگی می‌کنند. به عبارت دیگر خانواده خود در قامت یک نظام اجتماعی و طبیعی است که خصوصیات و عملکردهای ویژه دارد و از یک ساخت منظم و قدرتمند و نیز سابقه تاریخی برخوردار است. مفهوم خانواده و ارزش‌های مرتبط با آن برای هر دولت و جامعه‌ای، اساس کار تلقی شده و از این‌رو نظام‌های برنامه‌ریزی درک شورها متناسب با ارزش‌های خود تلاش دارند موضوع خانواده را در اولویت تلاش‌های اجتماعی خود قرار دهند. از آن گذشته اشتغال زنان در فعالیت‌های اقتصادی در چند دهه اخیر خصوصاً در جوامع شهری بسیاری از کشورها با سرعت زیادی در حال گسترش است و این موضوع در کشور ما نیز در دهه‌های اخیر رشد فوق‌العاده‌ای پیدا کرده است. در اغلب شهرهای بزرگ ایران، همگام با دسترسی بیشتر زنان به سازمان‌های آموزشی (مدارس و دانشگاه‌ها) گرایش زنان به منظور انجام کار در بیرون از خانه در حال فزونی است. وضعیت زنان که حدود نیمی از جمعیت را تشکیل می‌دهند تحت تأثیر متغیرهای اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی دارد، به‌ویژه متغیر اقتصادی تأثیر فزاینده‌ای بر ساختار و عملکرد واقعی خانواده دارد. با توجه به همه‌جانبه بودن مفهوم توسعه این موضوع هنگامی سیر مطلوب را در جامعه تجربه می‌کند که امکانات و تمهیدات فراهم آمده برای زنان شاغل به‌گونه‌ای باشد که ضمن حفظ حرمت و تقویت شئونات انسانی و تحکیم جایگاه همسری آنان در خانواده زمینه‌های شکوفایی، ابتکار و خلاقیت نیز برای آنان ایجاد و امکان ارتقاء اجتماعی و مشارکت‌جویی سازنده آنان فراهم شود و در این میان، بررسی موقعیت شغلی اقلیت‌های دینی از مسائلی است که در حوزه مطالعات علوم اجتماعی و اقتصادی به‌طور آشکاری مغفول مانده است. زنان شاغل اقلیت‌های دینی نمونه‌های مناسبی برای مطالعات موردی در حوزه جامعه‌شناسی قرار می‌گیرند چراکه تاکنون پیرامون شرایط و دشواری‌های زندگی آنان کمتر تحقیقی انجام گرفته است.

خانواده در جهان امروز در روند تکاملی خود برخی از کارکردهای شناخته‌شده را از دست داده است، اما می‌توان گفت هم‌چنان بسیاری از کارکردهای عام آن باقی و برقرار است. کارکردگریبان در علوم اجتماعی بر این نظرند که اجتماعی شدن پدیده‌ای است پیچیده که خانواده در انجام آن سهم مهمی دارد. کاهش نقش خانواده و تغییر الگوی روابط در درون خانواده و نیز رشد خانواده‌های هسته‌ای که سبب می‌شود تا زن و شوهر به‌عنوان دو رکن اصلی جدا از خانواده‌های اصلی خویش با یکدیگر زندگی کنند سبب افزایش توجه به موضوع مشارکت زنان می‌شود (مدنی گیوی، ۱۳۸۶، به نقل از گودرزی، ۱۳۸۸). از سوی دیگر ورود گسترده زنان به بازار کار و افزایش دامنه انتظارات و تقاضاهای اجتماعی، خود موجب ظهور فرآیندهای جدیدی در مناسبات درون و بیرون از خانواده برای رکن اصلی آن که زنان می‌باشند گشته است. عدم تناسب شرایط اجتماعی و فرهنگی با اشتغال زنان می‌تواند مسائل حادی را ایجاد نماید، در صورتی که شرایط خانوادگی، اجتماعی و شغلی برای ایجاد تعادل میان کار و زندگی مناسب باشد، زن

بررسی تأثیر اشتغال زنان آرامنه بر روابط درون خانواده در شهر تهران

احساس آرامش بیشتری داشته و در نتیجه عملکرد خانواده بهبود می‌یابد، اما وقتی شغل او با شرایط و امکانات موجود در تعارض باشد، وی احساس فشار روانی و استرس نموده و این امر موجب آسیب‌پذیری کارایی خانواده می‌گردد (همتی، ۱۳۸۴: ۹-۱۰).

مسئولیت چندگانه زنان شاغل آرامنه به واسطه حضور در خارج از خانه زمینه تعدد وظایف و افزایش انتظارات و توقعات آنان را فراهم کرده است، هرچند اشتغال آنان می‌تواند کارکردهای مثبتی برای خود آنان و جامعه داشته باشد ولی فشارهایی که بر زنان شاغل وارد می‌آورد، می‌تواند خانواده آن‌ها را نیز در معرض آسیب‌های گوناگون و حتی فروپاشی قرار دهد و زنان شاغلی که به واسطه شغلشان با مشکلات خانوادگی متعددی درگیرند این امر بر روی میزان و کیفیت اشتغال آنان نیز تأثیرگذار است. ارتقاء سطح بهداشت خانواده، بهره‌وری بهینه از منابع مادی و معنوی خانواده، افزایش توان مدیریتی زن در خانواده، افزایش روحیه اعتمادبه‌نفس زن در اجتماع، گذران مطلوب اوقات فراغت، جلوگیری از آسیب‌پذیری اجتماعی، تأمین اجتماعی زنان در موقع بروز بحران‌های مختلف، شکوفایی استعدادها و توانایی‌های زنان، احساس مسئولیت بیشتر نسبت به خانواده، استقلال مالی زن و استحکام خانواده وی، ارتقاء سطح باروری زنان و سازندگی بیشتر و همچنین کاهش نرخ رشد جمعیت در جامعه از جمله آثار مثبت اشتغال زنان در جامعه به شمار می‌آید، البته فشارهای جسمی و روحی زنان به دلیل ایفای نقش‌های چندگانه، عدم تأمین نیاز عاطفی آنان در خانواده، فشارهای روحی و اضطراب ناشی از دوری فرزند و سایر اعضای خانواده و همچنین عدم ایفای کامل نقش مادری و همسری از جمله آثار منفی اشتغال زنان در جامعه می‌باشد (زنان، توسعه و تعدد نقش‌ها به نقل از مرکز امور مشارکت زنان ریاست جمهوری، ۱۳۸۰) که زنان این قشر از جامعه (زنان شاغل آرامنه) نیز از این خصوصیات جدا نبوده و نیستند. شرایط فرهنگی و اجتماعی جامعه بزرگ‌تر نیز خارج از چارچوب‌های قانون اساسی، اختیارات و فعالیت‌های دینی به‌ویژه زنان آرامنه را محدود می‌کند، از طرفی می‌توان به شرایط تبعیض‌آمیز استخدامی اشاره کرد که بر سر راه اقلیت‌های دینی و به‌طور خاص آرامنه وجود دارد و برخی از آنان کار خود را نتیجه همین سیاست‌ها از دست داده‌اند و یا برای جذب در نهادهای دولتی با مشکل مواجه شده‌اند (فاضلی و رسولی، ۱۳۹۱).

با نگاهی اجمالی به زمینه و سابقه ظهور نقش زنان در ایران می‌توان دریافت که با انقلاب مشروطه و حمایت از متمم قانون اساسی، اشتغال زنان شکلی دیگر یافت که دلیل آن نیز کار نامتقارن اجتماعی و موقعیت شغلی نابرابر زنان در بازار کار بوده است. زنان آرامنه نیز در عرصه‌های مختلف تاریخ زندگی ارمنیان همواره در کنار همسران خود حضور داشته و مسئولیت تربیت بسیاری از مشاهیر برجسته ارمنی را در حوزه علم و ادب بر عهده گرفته‌اند. پس از پیروزی انقلاب مشروطه، زنان که برای به بار نشستن انقلاب تلاش بسیار کرده بودند، خواستار ارتقاء جایگاه خود و به دست آوردن حقوق سیاسی و اجتماعی خویش شدند. رشد مطبوعات و تبلیغات آن‌ها، زمینه تشکیل انجمن‌های فرهنگی و اجتماعی توسط زنان

را فراهم آورده و مقدمه‌ای برای اشتغال آنان در برخی از مشاغل دولتی یا خصوصی گردید (خوش‌بین، ۱۳۹۱، به نقل از روشن‌فر، ۱۳۸۲).

این پژوهش در راستای بررسی تأثیر اشتغال زنان ارامنه بر روابط درون خانواده آن‌ها با در نظر گرفتن وظایف و مسئولیت‌های چندگانه‌ای نظیر وظیفه مادری، خانه‌داری و گرایش آنان به کار در خارج از خانه را مورد مطالعه قرار داده و نیز تأثیر مقوله مزبور را بر روی هرم قدرت تصمیم‌گیری این قشر از جامعه در درون خانواده را بررسی می‌نماید، لذا ما در این تحقیق بر آنیم تا به سؤالات ذیل پاسخ دهیم:

- آیا اشتغال زنان ارامنه تأثیری بر نوع مناسبات درون خانواده آن‌ها دارد؟

- آیا اشتغال زنان ارامنه تأثیری در قدرت تصمیم‌گیری آن‌ها در انجام امور عمده درون خانواده دارد؟

- آیا اشتغال زنان ارامنه تأثیری در نحوه همکاری همسران آن‌ها دارد؟

- آیا اشتغال زنان ارامنه تغییری در روش مراقبت از فرزندان ایجاد می‌کند؟

- آیا اشتغال زنان ارامنه تأثیری بر امور تربیتی و تحصیلی فرزندان آن‌ها دارد؟

در زمینه پیشینه‌های تجربی تحقیق توسلی (۱۳۸۲) تحقیقی با عنوان «آیا می‌توان بین کار زن در خانه و کار بیرون آشتی برقرار کرد؟» انجام داد که این بررسی با ۳۲۵ زن در چهار منطقه‌ی تهران صورت گرفته و بیشتر زنان مورد پرسش (۶۰ درصد) بر اهمیت نقش سنتی و مسئولیت‌های خانه‌داری خود تأکید کرده و در قبال این نقش نسبت به کار بیرون از خانه اولویت قائل شده‌اند. آن‌ها معتقد بودند که بین کار به‌عنوان یک فعالیت اقتصادی در جامعه و نگهداری زندگی خانوادگی و مراقبت از کودکان تعارض وجود دارد و آن‌ها غالباً حفظ زندگی خانوادگی را بر کار بیرون ترجیح می‌دهند، اما هم چنان علاقه‌مند به کار و فعالیت اقتصادی بیرون از خانه هستند.

هم‌چنین ساروخانی و گودرزی (۱۳۸۸) تحقیقی با عنوان «اثرات اشتغال زنان بر خانواده (تحقیقی در بین زنان شاغل و متأهل وزارت کار و امور اجتماعی)» انجام دادند که مشخص شد زنان شاغل در فصل تعطیلات برای نگهداری فرزندان محصل خود با مشکلاتی مواجه هستند و نیز شاغل بودن باعث کاهش بعد خانواده آن‌ها می‌شود. هم‌چنین اشتغال زنان بر مناسبات همسررداری آن‌ها، آرمان‌های تحصیلی در مورد فرزندان، تغذیه خانواده، اوقات فراغت و هرم قدرت (باعث افقی شدن هرم قدرت در خانواده می‌شود) خانواده تأثیر گذاشته و نیز باعث سندرم تعجیل - تأخیر و فرسایش زودرس در زنان شاغل می‌شود. هم‌چنین نشان داد بین میزان تحصیلات زنان شاغل و تعداد فرزندان آن‌ها رابطه معکوس وجود دارد و نیز بین میزان قدرت تصمیم‌گیری زنان شاغل با سن آن‌ها رابطه معناداری وجود ندارد.

مصدق فکجه (۱۳۹۱) «تأثیر اشتغال زنان در تغییر الگوی سنتی روابط زوجین» نتایج حاکی از آن است که بین اشتغال زنان، میزان اوقات فراغت، سازگاری و درک متقابل زوجین از وضعیت کاری یکدیگر، سن زن و میزان الگوی سنتی روابط زن و شوهر تأثیر معناداری داشته ولی بین متغیر اشتغال زنان و میزان همکاری و همبازی زن و شوهر در امور خانه‌داری و تغییر باورهای سنتی مردان نسبت به

بررسی تأثیر اشتغال زنان ارامنه بر روابط درون خانواده در شهر تهران

همسرانشان رابطه وجود ندارد و بین اشتغال زنان و توزیع قدرت در خانواده و نحوه تصمیم‌گیری رابطه متوسطی وجود دارد.

نایی و گلشنی (۱۳۹۲) «تأثیر منابع در دسترس زنان بر قدرت تصمیم‌گیری در خانواده (مطالعه تجربی شهر بابل)» نشان دادند که به‌طور کلی زنان از قدرت تصمیم‌گیری نسبتاً بالایی در خانواده برخوردارند و اشتغال از جمله منابع مهمی است که بر این امر تأثیرگذار است و زنان شاغل، فارغ از هر سطحی از منزلت شغلی و یا هر میزان درآمد، از زنان خانه‌دار قدرت تصمیم‌گیری بیشتری برخوردار هستند.

میشل^۱ (۱۹۶۶) نشان داد که کار رایگان زنان (کار بدون درآمد) سبب افزایش اقتدار زن در خانه نمی‌شود. از طرف دیگر، او دریافت که با افزایش تخصص زنان شاغل موفقیت آن‌ها در توازن قدرت بین زوجها بهتر می‌شود.

زو و بیان^۲ (۲۰۰۵) «چگونگی دسترسی زنان چینی به منبع کار و درآمد». پژوهشی در چین نشان دادند که چگونگی دسترسی زنان چینی به منبع کار و درآمد، از یک‌سو به‌صورت مستقیم نقش آن‌ها را در تصمیم‌گیری‌های خانوادگی افزایش داده و از سوی دیگر به‌صورت غیرمستقیم با تعدیل نگرش‌های ایدئولوژی جدایی‌طلب جنسیتی، موقعیت آنان را در روابط قدرت با شوهرانشان بهبود بخشیده است. هسمیگ^۳، باران (۲۰۱۲) تجربیات سه زن ارمنی در سطح مدیریت ارشد آموزش عالی برای حفظ تعادل کار- خانواده شامل رهبری دموکراتیک و مشارکتی و ارتباط آشکار با خانواده، مدیریت زمان، برنامه‌ریزی و اشتراک برنامه‌ها را نتیجه می‌گیرد.

هیث، کری^۴ (۲۰۱۲) احتمال موفقیت زنان در نقش‌های متعدد، زندگی حرفه‌ای آنان را معنی‌دار می‌نماید. آلدورف^۵ (۲۰۱۲) تحقیقی در میان زنان هندی نشان داد که عواملی چون تحصیلات و اشتغال بر کیفیت روابط خانوادگی (شوهر، فرزندان، خانواده شوهر) مانند دیگر عوامل شغلی تأثیرگذار است.

از دیدگاه کارکردگرایان، تنها نقش اساسی زنان در جامعه برآوردن نیاز جنسی مردان و فرزندزایی است و نباید هیچ‌گونه تغییری در این نقش‌ها ایجاد نمود. هم‌چنین تقسیم کار جنسیتی در خانواده متضمن خرسندی افراد و وجود خانواده‌ای کارا و باثبات است که این تقسیم کار به نفع هر دو جنس و جامعه می‌باشد. پارسونز در تحلیل خود پیرامون تقسیم کار جنسیتی^۵ بین زن و شوهر بر نقش محوری تقسیم کار جنسیتی در حفظ انسجام خانواده تأکید ورزیده است؛ تقسیم کاری که وظایف شغلی، کسب درآمد و رهبری خانواده را بر عهده شوهر/ پدر و وظایف خانه‌داری را بر عهده همسر/ مادر قرار می‌دهد.

1- Michelle

2- Zuo, Jiping, and Yanjie Bian

3- Baran, Hasmig

4- Kerri Heath

5- Allendorf

الیزابت بک گرنسهایم^۱ می‌گوید، کلیه اعضای خانواده حداقل توقع را از پدر - شوهر دارند و سعی در فراهم کردن آسایش و رفاه و به نوعی محافظت او در برابر مشکلات جهان خارج دارند تا پدر - شوهر از مشکلات اجتماعی فارغ گشته و در محیط خانواده امکان شکوفایی و ثبات شخصیت خود را بدست آورد (اعزازی، ۱۳۸۹: ۱۵۱). تابعیت زنان نسبت به مردان در جوامع سرمایه‌داری از نظر کارکردی برای حفظ انسجام خانواده و انسجام خانواده نیز برای حفظ ساختار طبقاتی این جوامع ضرورت دارد. حفظ ساختار طبقاتی نیز برای تضمین اینکه ساختار اجتماعی همچنان که هست باقی می‌ماند، ضروری است (هاروی و مک دونالد، ۱۹۹۳). تحقیقات انجام گرفته در مورد کار زنان حاکی از آن است که با جذب زنان در بازار کار به هیچ وجه نقش‌های سنتی از آن‌ها رها نشده است (نهایندی، ۱۳۸۶) و وقتی زنان وارد بازار کار می‌شوند، کار بیرون مضاف بر کار منزل می‌گردد و او کلی تأکید می‌کند، کار در خانه و بچه‌داری بخشی از نقش‌های زنانه به حساب می‌آید (اوکلی، ۱۹۷۲).

از طرفی نظریه‌های تجزیه شدن بازار کار^۲، بین دو نمونه از مشاغل تمایز قائل می‌شود. مشاغل بخش اول که از لحاظ پرداخت مزد، تأمین بیشتر و فرصت پیشرفت وضع نسبتاً خوبی دارند و مشاغل بخش دوم که با مزد کم، تأمین کمتر و محدودیت پیشرفت روبرو هستند. در مشاغل بخش اولیه ثبات کارگر در کار برای کارفرما اهمیت دارد و جابجایی زیادتری که در زن‌ها مشاهده می‌شود به این معناست که احتمال جذب آنان به مشاغل ثانویه زیادتر خواهد بود (کار، ۱۳۷۹).

کاپلا (۱۹۵۴) عقیده دارد، از آن‌که زنان به دلیل طبیعت فرزند زایی خود دائماً در حال ورود و خروج از بازار کار می‌باشند، زندگی شغلی آنان ناپایدار است و این امر موجب می‌گردد که تجربه‌اندوزی این قشر از جامعه غیرمستمر و بدون دوام باشد. بارت می‌گوید: زنان معتقدند که آن‌ها آن‌گونه تعهدات را قبول می‌کنند که با تعهدات خانوادگی آن‌ها همسو باشد ولو این‌که دستمزد و حقوق نسبتاً کمتری داشته باشد و خیلی با اهمیت نباشد (شیخی، ۱۳۸۷: ۱۲۴-۱۲۵).

بر اساس نظریه منابع، قدرت فرصتی است که در چارچوب روابط اجتماعی وجود داشته و به فرد امکان می‌دهد که صرف‌نظر از پایه‌ای که قدرت مذکور بر آن استوار است، اراده خود را حتی به‌رغم مقاومت دیگران بر آن‌ها تحمیل نماید. منظور از منبع، هرگونه خصوصیت، وضعیت و یا دارایی است که امکان تأثیرگذاری فرد دارنده آن را بر سایر اشخاص یا گروه‌ها افزایش می‌دهد (لاجوردی، ۱۳۷۶). این منابع می‌توانند شامل خصوصیات فردی از قبیل جذابیت ظاهری، پرستیژ اجتماعی، کاریزما و شهرت یا داشتن موقعیت‌های اجتماعی مانند مقام سیاسی، عضویت در انجمن‌ها یا محافل رسمی و غیررسمی و نیز آشنایی با اشخاص بانفوذ یا در اختیار داشتن منابع مادی نظیر ثروت و مایملک باشند. نظریه‌پردازان تئوری منابع معتقدند که مردان در خانواده بیشتر از زنان به منابع و امکانات ارزشمند نظیر تحصیلات و

1- Segmentation Of Labor Market Theories

2- Elisabeth Beck-Gernsheim

3- Harvey, L; MacDonald, M

بررسی تأثیر اشتغال زنان آرامنه بر روابط درون خانواده در شهر تهران

اشتغال دسترسی دارند. در نتیجه درآمد حاصل از اشتغال، یکی از منابع ارزشمندی است که از سوی زنان وارد این رابطه شده و موجب تغییر رابطه قدرت در خانواده می‌گردد (نبوی و احمدی، ۱۳۸۶). از جمله عوامل مؤثر بر گرایش زنان به اشتغال خارج از خانه عواملی چون قدرت، انگیزه‌های اقتصادی، روان‌شناختی و اجتماعی تأثیر داشته و از همه مهم‌تر در مورد ساختار قدرت در خانواده نشان می‌دهد که اکثر زنان، اشتغال خارج از خانه را موجب افزایش قدرت در تصمیم‌گیری‌های خانواده و مشارکت شوهر در امور خانه و باعث توازن قدرت در خانواده و تغییر توزیع قدرت از عمودی و یک‌سویه (نامتقارن) به افقی و دوسویه (متقارن) می‌دانند و منابع قدرتی چون اشتغال، تحصیلات، منزلت شغلی، دارایی و تملک شخصی بر قدرت تصمیم‌گیری آنان در خانواده تأثیرگذار بوده است و هرچه منابع قدرت در دسترس زن بیشتر باشد ساختار قدرت به نفع زن حاکم می‌گردد. از سوی دیگر از طریق ایجاد مشارکت آنان در تأمین مخارج خانواده حتی به میزان اندک می‌تواند هرم قدرت را به نفع آنان بهبود بخشد و به این ترتیب است که مناسبات قدرت افزایش می‌یابد و اختیاراتی را به آن‌ها اعطا می‌کند که در بهبود موقعیت اجتماعی و جایگاه آن‌ها در خانواده از قبیل انجام کار خانگی، نوع مناسبات و الگوی قدرت تصمیم‌گیری در خانواده مؤثر است. توجه به این موضوع که اشتغال زنان آرامنه هم در چارچوب خانواده و هم در جامعه نمود داشته و در ضمن تغییراتی را با خود به همراه داشته است، به نظر می‌رسد اهمیت پرداختن به مسئله اشتغال این قشر از جامعه و بررسی عوامل تأثیرگذار آن از جهات متعدد لازم و ضروری است.

به عبارت دیگر هدف اصلی پژوهش «بررسی تأثیر اشتغال زنان آرامنه بر روابط درون خانواده آنان» است و در قالب این هدف اصلی، اهداف اختصاصی ذیل نیز دنبال می‌شود:

- ۱- بررسی تأثیر نوع شغل زنان آرامنه بر انواع روابط درون خانواده آن‌ها
- ۲- بررسی تأثیر انگیزه‌های اشتغال (مالی - اجتماعی - شخصیتی) زنان آرامنه بر انواع روابط درون خانواده آن‌ها
- ۳- بررسی تأثیر میزان سطوح درآمد زنان آرامنه بر روابط درون خانواده (نوع مناسبات) آن‌ها.



با توجه به مدل نظری تحقیق «بررسی تأثیر اشتغال زنان آرامنه بر روابط درون خانواده آن‌ها» به دنبال آزمون فرضیه‌هایی که ناظر بر روابط بین متغیرهای مستقل و وابسته است به شرح ذیل مطرح می‌نماید:

- ۱- به نظر می‌رسد بین نوع شغل زنان آرامنه و انجام کار خانگی آن‌ها در خانواده رابطه وجود دارد.
- ۲- به نظر می‌رسد بین انگیزه‌های اشتغال زنان آرامنه و روابط در خانواده (نوع مناسبات) آن‌ها در خانواده رابطه وجود دارد.
- ۳- به نظر می‌رسد بین میزان درآمد زنان شاغل آرامنه و انجام کار خانگی آن‌ها در خانواده رابطه وجود دارد.

روش

پژوهش حاضر بر اساس هدف، از نوع مطالعات پیمایشی^۱ و از نظر روش اجرا از نوع پژوهش‌های کمی است. جهت جمع‌آوری اطلاعات مورد نظر از تکنیک پرسشنامه محقق‌ساخته استفاده شد. به دلیل عدم دسترسی به آمار دقیق زنان شاغل ارمنی تنها با مراجعه به آخرین آمار سرشماری جمعیت کل کشور گزارش شده از مرکز آمار ایران در سال ۱۳۹۵ مشخص گردید که تعداد کل مسیحیان ایران ۱۱۷۷۰۴ نفر می‌باشد که از این تعداد ۲۹۹۵۳ نفر متعلق به استان تهران است در مجموع از تعداد فوق ۱۴۵۷۵ نفر مرد و ۱۵۷۳۸ نفر زن از هم تفکیک می‌شوند (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵).

در پژوهش حاضر، نمونه‌گیری بر پایه معیارهای معمول روش‌های آماری نمونه‌گیری قرار نداشته، بلکه افراد و گروه‌ها بر اساس معیارهای نظری و میزان روشنایی بخشی احتمالی‌شان برای نظریه تحقیق انتخاب شده‌اند. برای بدست آوردن حجم نمونه از روش گلوله برفی استفاده شده است. این روش زمانی مطلوب است که یافتن محل سکونت یا اشتغال اعضای یک جمعیت ویژه نظیر زنان شاغل اقلیت آرامنه تا حدودی دشوار باشد. در پژوهش حاضر از میان ۱۵۷۳۸ نفر زن ارمنی ساکن شهر تهران، ۱۲۰ نفر زن شاغل ارمنی که از طریق نهادهای مدنی جامعه آرامنه معرفی شده‌اند، به صورت گلوله برفی انتخاب شدند. در این روش، پژوهشگر ابتدا زنان شاغل را از میان جمعیت آرامنه شناسایی نموده و پس از دریافت اطلاعات از آنان درخواست می‌کرد که فرد یا افراد دیگر واجد شرایط را به وی معرفی نمایند. در تحقیق حاضر پرسشنامه‌ها در بین تعداد ۱۲۰ نفر از زنان شاغل آرامنه ساکن و شاغل در سطح شهر تهران توزیع گردید. جهت تعیین اعتبار و روایی پرسشنامه در این پژوهش از روش اعتبار محتوایی^۲ استفاده شده است و برای سنجش پایایی مبنی بر قدرت تبیین‌کنندگی گویه‌ها از آلفای کرونباخ استفاده شد. در کل روایی و پایایی شاخص‌های سنجش مورد تأیید قرار گرفت.

بررسی تأثیر اشتغال زنان آرامنه بر روابط درون خانواده در شهر تهران

یافته‌ها

متغیرهای مستقل و وابسته

جدول (۱): شاخص‌های آماری متغیرهای مستقل تحقیق

متغیرها	شاخص‌های آماری	
	میانگین	انحراف معیار
انگیزه مالی	۲/۸۱	۰/۵۵
انگیزه اجتماعی	۴/۲۴	۰/۵۹
انگیزه شخصیتی	۳/۸۰	۰/۸۰

بالاترین میزان مربوط به انگیزه اجتماعی با میانگین ۴/۲۴ و کمترین میزان نیز مربوط به انگیزه مالی برابر با ۲/۸۱ می‌باشد. میانگین انگیزه شخصیتی برابر با ۳/۸ است.

جدول (۲): شاخص‌های آماری متغیرهای وابسته تحقیق

متغیرها	شاخص‌های آماری	
	میانگین	انحراف معیار
نوع روابط در خانواده (نوع مناسبات)	۳/۲۲	۰/۵۳
انجام کار خانگی	۲/۷۵	۰/۹۰
الگوی قدرت	۲/۸۵	۰/۸۲

بالاترین میزان مربوط به روابط در خانواده برابر با ۳/۲۲ بوده و کمترین میزان نیز مربوط به انجام کار خانگی با میانگین ۲/۷۵ می‌باشد. میانگین الگوی قدرت هم برابر با ۲/۸۵ است. به نظر می‌رسد بین نوع اشتغال زنان آرامنه و روابط در خانواده (نوع مناسبات) آن‌ها رابطه وجود دارد.

جدول (۳): اطلاعات توصیفی روابط در خانواده زنان آرامنه بر اساس نوع شغل آن‌ها

نوع اشتغال	تعداد	میانگین	انحراف معیار	خطای معیار	تفاوت میانگین در سطح		کمترین	بیشترین
					حد پایین	حد بالا		
تولیدی	۱۰	۴۵/۶۰	۵/۰۶	۱/۶۰	۴۱/۹۸	۲۲/۴۹	۴۰	۵۶
خدماتی	۶۶	۴۹/۹۴	۸/۳۳	۱/۰۲	۴۶/۸۹	۵۰/۹۹	۲۹	۶۹
آموزشی	۴۴	۴۷/۸۴	۷/۷۲	۱/۱۶	۴۵/۴۹	۵۰/۱۹	۳۴	۶۷
کل	۱۲۰	۴۸/۳۶	۷/۸۹	۰/۷۲	۴۶/۸۳	۴۹/۶۸	۲۹	۶۹

اطلاعات جدول شماره ۳ نشان می‌دهد روابط خانوادگی زنان شاغل در کارهای خدماتی بیشتر و بالاتر از روابط در خانواده زنان شاغل در بخش‌های تولیدی و آموزشی است.

جدول (۴): تحلیل واریانس یکراهه روابط خانوادگی زنان شاغل ارامنه بر اساس نوع شغل آن‌ها

منبع تغییر	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	P
بین گروهی	۱۰۸/۹۴۸	۲	۵۴/۴۷۴	۳/۶۹۱	۰/۰۲۹
درون گروهی	۴۷۳۰۲/۰۴	۱۱۷	۶۲/۴۱۱		
کل	۷۴۱۰/۹۹۲	۱۱۹			

بر اساس جدول شماره ۴ سطح نوع روابط خانوادگی زنان بر اساس نوع اشتغال آن‌ها ($f=۳/۶۹$) و ۱۱۷ و $df=۲$ متفاوت است ($P<۰/۰۵$). بنابراین می‌توان به این نتیجه دست یافت که بین نوع اشتغال زنان ارامنه و روابط در خانواده آن‌ها ارتباط وجود دارد.

جدول (۵): آزمون تعقیبی توکی تفاوت سطح روابط خانوادگی زنان ارامنه بر اساس نوع شغل آن‌ها

تفاوت میانگین در سطح ۹۵٪	Sig	خطای معیار	تفاوت میانگین (J-I)	شغل (J)	شغل (I)
حد پایین	حد پایین				
۳/۰۲۴۶	۰/۰۲۹	۲/۶۸۰۸۰	-۳/۳۳۹۴	خدماتی	تولیدی
۴/۳۲۹۱	۰/۰۰۸	۲/۶۷۷۵۸	-۲/۲۴۰۹	آموزشی	تولیدی
۹/۷۰۳۴	۰/۰۲۹	۲/۶۸۰۸۰	۳/۳۳۹۴	تولیدی	خدماتی
۴/۷۴۸۵	۰/۷۵۵	۱/۵۳۷۵۴	۱/۰۹۸۵	آموزشی	خدماتی
۸/۸۱۰۹	۰/۰۰۸	۱/۶۷۷۵۸	۲/۲۴۰۹	تولیدی	آموزشی
۲/۵۵۱۵	۰/۷۵۵	۱/۵۳۷۵۴	-۱/۰۹۸۵	خدماتی	آموزشی

نتایج حاکی از آن است که تفاوت سطح روابط خانوادگی زنان دارای مشاغل تولیدی با زنان دارای مشاغل خدماتی و آموزشی از نظر آماری معنادار است ($P<۰/۰۵$). در ضمن با توجه به میانگین‌های به‌دست‌آمده سطح روابط در خانواده زنان دارای مشاغل خدماتی بیش از دو گروه دیگر است. منظور از این مفهوم وظایفی است که زنان در قبال همسرانشان به آنان محول شده است که دارای دو جنبه مادی و معنوی می‌شود. جنبه معنوی مانند گفتگو و همفکری با همسر و جنبه مادی مانند مبادرت ورزیدن به انجام وظایف زناشویی که مجموع این مفاهیم روابط و مناسبات با همسران را شکل می‌بخشد. اشتغال زنان که می‌تواند یکی از عوامل ایجاد تعارض در بین زوجین باشد، بر ساخت خانواده، روابط سنتی زوجین و سرنوشت کودکان تأثیر انکارناپذیر دارد به‌ویژه این که زنان تلاش می‌کنند تا زندگی خانوادگی را بر اساس نوع شغل خود برنامه‌ریزی کنند. همچنین زنان نمی‌توانند از مناسبات و روابط خانوادگی و وظایف عمده‌ای که در شبکه‌ی ارتباطی خانواده و روابط با اعضای خانواده دارند، غفلت ورزند (توسلی، ۲۰۰۷). اشتغال زنان با وجود بهبود وضع اقتصادی خانواده به دلیل کمبود ساعات حضور زن در خانه، باعث تحولاتی در مدیریت و نقش اعضای خانواده می‌گردد. در وهله‌ی نخست، این تأثیر به تغییر عملکرد همسر و کاهش قدرت وی می‌انجامد و در نهایت، در بسیاری از موارد موجب هماهنگی زوجین در تصمیم‌گیری و اداره‌ی امور زندگی می‌شود. غالباً در خانواده‌هایی که زن شاغل است، مردان در کار منزل مشارکت بیشتری دارند و زن و شوهر در بسیاری از مسائل به درک و تفاهم می‌رسند و آثار

بررسی تأثیر اشتغال زنان ارامنه بر روابط درون خانواده در شهر تهران

مثبت این رفتار بر اعضای دیگر خانواده نیز مشاهده می‌شود، اما با این وجود، متأسفانه درصدی از مردان هنوز شغل اصلی زن را خانه‌داری و فرزند پروری می‌دانند و باینکه به تأثیر شغل و درآمد همسرشان در رفع تنگنای زندگی مادی واقفانند، انتظار دارند وی به‌تنهایی تمام کارهای خانه را انجام دهد. این فشار فزاینده انجام دو مسئولیت، بعضاً زنان شاغل را به ناراحتی‌های جسمی و روحی، افسردگی و ناامیدی مبتلا می‌کند (نساجی، ۲۰۰۳). با اشتغال زن، زندگی مشترک به دلایل زیادی دچار تعارض می‌شود. از جمله مشکلات شناخته‌شده در این زمینه می‌توان؛ مسائل اقتصادی، روابط خویشاوندی، دوستان، چگونگی صرف اوقات فراغت، به پایان رسیدن عشق متقابل، مشکلات عاطفی، درگیری‌های شغلی، ارتباطات ناسالم در خانواده و در برخی موارد اشتغال زنان و غیره را نام برد (باغبان و مراد، ۲۰۰۳). نوع تعاملات زوجین در محیط زندگی رابطه‌ی مستقیم با احساس بدبختی یا خوشبختی آن‌ها دارد. ارتباط خوب می‌تواند مناسبات و رابطه‌ها را بهبود بخشد و دوستی، اعتماد و حمایت را در بین زوجین و فرزندان افزایش دهد. ارتباطات نا مؤثر نیز می‌توانند پیوندها را تضعیف کرده بی‌اعتمادی و نفرت را بوجود آورد (گیلپاتریک^۱، ۲۰۰۸). در پژوهش حاضر نوع مناسبات زنان شاغل در کارهای خدماتی بیشتر و بالاتر از مناسبات زنان شاغل در بخش‌های تولیدی و آموزشی است. این نوع اشتغال زنان ارامنه (بخش خدمات) با زندگی و مسئولیت‌های پیچیده و چندگانه آنان بیشتر و بهتر سازگار است. به نظر می‌رسد بین انگیزه‌های اشتغال زنان ارامنه و روابط در خانواده (نوع مناسبات) آن‌ها رابطه وجود دارد.

جدول (۶): ضریب همبستگی پیرسون بین انگیزه‌های اشتغال زنان ارامنه و روابط در خانواده آن‌ها

متغیر	شاخص	نوع مناسبات
انگیزه‌های اشتغال زنان	همبستگی پیرسون	۰/۱۸۳
	معناداری دوسویه P	۰/۰۴

ضریب همبستگی بین انگیزه‌های اشتغال زنان ارامنه و روابط در خانواده آن‌ها ۰/۱۸۳ است که از نظر آماری معنادار است (۰/۰۵ <). می‌توان عنوان نمود بین انگیزه‌های اشتغال زنان ارامنه و روابط در خانواده آن‌ها رابطه مثبتی وجود دارد، یعنی هرچه انگیزه‌های اشتغال زنان افزایش یابد انواع روابط در خانواده آن‌ها (نوع مناسبات) نیز افزایش خواهد یافت. ساخت خانواده، مجموعه‌ای از انتظارات عملکردی است که شیوه‌های مراوده یا میان کنش‌های اعضای خانواده را سامان می‌دهد. خانواده نظامی است که عملکرد آن از طریق مناسبات و الگوهای مراوداتی صورت می‌گیرد. این مراودات یا میان کنش‌ها، الگوهایی پدید می‌آورند مبنی بر اینکه چطور، چه وقت و با چه کسی رابطه برقرار شود، به‌گونه‌ای که رفتار اعضای خانواده نظم می‌یابد.

مک مستر^۱ نیز الگوی خود را برای خانواده مطلوب این‌گونه ارائه می‌دهد: کارکردهای ضروری خانواده نقش‌هایی است که باید برای ایجاد یک خانواده سالم انجام گیرد. یعنی نقش‌ها باید در قالب رفتارهای توصیه‌شده در مجموعه‌ای از روابط دوجانبه با دیگر اعضای خانواده تعریف شوند. نقش‌های اصلی، مانند نقش‌های شغلی، مادری و همسری، به امکانات، تلاش و زمان اساسی نیاز دارند. زنان شاغل نمی‌توانند تمام تقاضاهای برخاسته از نقش‌های متفاوت را برآورده سازند. از این رو احساس می‌کنند که فقط می‌توانند به یکی از حوزه‌ها احساس تعهد قوی داشته باشند. اشتغال، به‌ویژه اشتغال تمام‌وقت، برای زنان پیامدهای منفی جسمانی و روان‌شناختی از قبیل احساس گناه و اضطراب خواهد داشت. با توجه به اینکه بسیاری از زنان شاغل در مقایسه با مردان شاغل احساس مسئولیت و نگرانی بیشتری برای کارهای خانه می‌کنند. برای مثال، وجود کودکان کم سن یکی از عواملی است که آستانه آسیب‌پذیری را افزایش می‌دهد (گیلبرت و برانسون^۲، ۱۹۹۸). از سویی بار اضافی نقش موجب محدود شدن زندگی اجتماعی، مناسبات خانوادگی و روابط دوستانه و فامیلی می‌شود. در واقع زنان با نقش‌های گوناگون، برای انتخاب اینکه با چه کسانی رابطه داشته باشند زیر فشار قرار می‌گیرند. این زنان بدین دلیل که اوقات کمتری را با فرزندانشان هستند، احساس گناه می‌کنند (گرینبرگر و گولدرگ، ۱۹۸۹) اعم از اینکه کودک را شخصی غیر از مادر در خانه نگهداری کند یا او را به مهدکودک‌ها و کودکستان‌ها بسپارند. مراکز نگهداری از کودک، به هر روی، اغلب منبعی نگران‌کننده و استرس‌زا برای بسیاری از مادرانی است که خارج از خانه کار می‌کنند. از طرفی نقش‌های گوناگون به دلیل فراهم آوردن منابع گوناگون برای احساس رضایت و پاداش‌های شخصی، موجب بهبود عملکرد روان‌شناختی فرد می‌شوند. اگرچه نمی‌توان ادعا کرد که ایفای نقش‌های گوناگون لزوماً به معنای فشار بیشتر است. برخی پژوهش‌ها نشان می‌دهند در صورتی که زنان قادر به ایجاد تعادل بین مسئولیت‌های خانه‌داری و شغلی خود شوند، در مقایسه با زنانی که تمام‌وقت به خانه‌داری می‌پردازند کمتر احساس فشار می‌کنند و زنانی که به‌طور تمام‌وقت خانه‌داری می‌کنند، امکان کمتری برای اجتماعی شدن، انجام فعالیت‌های مقبول و ارزشمند اجتماعی، که خود موجب افزایش و بهبود عزت‌نفس و شیوه‌های مقابله در فرد می‌شود، دارند. البته نباید فراموش کرد که کار خارج از خانه فرصت‌های بشماري همچون فرصت‌های مالی، کسب استقلال، احساس ارزشمندی، افزایش عزت‌نفس و انگیزه را در اختیار زنان قرار می‌دهد. زنان شاغل به‌عنوان کنشگر دارای نقش‌ها و پایگاه‌هایی هستند و با انتظارات نقش‌های گوناگون مواجه‌اند. چنان‌که در عین عمل زیر فشار ساختار، دارای انگیزه‌ها و ویژگی‌های شخصیتی معینی می‌شوند که نظام خواسته‌ها و نیازهایشان را تعیین می‌کند و بر اساس آن نیازها و نیز استعدادهای خود به جستجوی رفع نیازهای خود برمی‌خیزند. بر اساس مطالعه‌ها و پژوهش‌های انجام‌شده، مهم‌ترین و شایع‌ترین دلیل اشتغال زنان

1- McMaster

2- Gilbert, L. A. & Brownson, C

بررسی تأثیر اشتغال زنان ارامنه بر روابط درون خانواده در شهر تهران

نه تنها در ایران، بلکه در کل جوامع، عامل اقتصادی است. کمک به بهبود وضع مالی، به خصوص در طبقه‌های کم‌درآمد و متوسط که ناشی از بالا بودن هزینه زندگی، تنوع نیازها و خواسته‌های خانواده است، زنان را به شغل خارج از خانه وامی‌دارد.

به نظر می‌رسد بین سطح درآمد زنان شاغل ارامنه و روابط در خانواده (نوع مناسبات) آن‌ها رابطه وجود دارد.

جدول (۷): اطلاعات توصیفی نوع روابط خانوادگی زنان شاغل ارامنه بر اساس سطح درآمد آن‌ها

میزان درآمد ماهیانه	تعداد	میانگین	انحراف معیار	خطای معیار	تفاوت میانگین در سطح ۹۵٪	
					حد پایین	حد بالا
زیر ۱ میلیون تومان	۷۵	۴۷/۴۰	۸/۳۲	۰/۹۶	۴۵/۴۸	۴۹/۳۲
بین ۱ تا ۱/۵ میلیون تومان	۲۴	۴۹/۶۷	۷/۹۴	۱/۶۲	۴۶/۳۱	۵۳/۰۲
بین ۱/۵ تا ۲ میلیون تومان	۱۰	۴۹/۷۰	۶/۷۸	۲/۱۵	۴۴/۸۵	۵۴/۵۵
بالای ۲ میلیون تومان	۱۱	۴۹/۷۳	۵/۲۰	۱/۵۷	۴۶/۲۴	۵۳/۲۲
کل	۱۲۰	۴۸/۳۶	۷/۸۹	۰/۷۲	۴۶/۸۳	۴۹/۶۸

اطلاعات نشان می‌دهد نوع روابط خانوادگی زنانی که درآمد ماهیانه آن‌ها بالای دو میلیون است بیشتر و بالاتر از سطح روابط در خانواده زنان در سایر گروه‌های درآمدی است.

جدول (۸): تحلیل واریانس یک‌راهه نوع روابط خانوادگی زنان شاغل ارامنه بر اساس سطح درآمد آن‌ها

منبع تغییر	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	P
بین گروهی	۱۴۷/۳۷۷	۳	۴۹/۱۲۶	۳/۷۸۵	۰/۰۵
درون گروهی	۷۲۶۳/۸۱۵	۱۱۶	۶۲/۶۱۷		
کل	۷۴۱۰/۹۹۲	۱۱۹			

سطح نوع روابط خانوادگی زنان بر اساس نوع اشتغال آن‌ها ($f=۳/۷۸۵$) و $df=۳$ و ۱۱۶ متفاوت است. با توجه به میانگین‌های به دست آمده سطح نوع روابط خانوادگی زنان با درآمد بین ۱/۵ تا ۲ میلیون تومان بالاتر است. می‌توان به این نتیجه دست یافت که بین سطح درآمد زنان ارامنه و نوع روابط خانوادگی آن‌ها رابطه وجود دارد.

جدول (۹): آزمون تعقیبی توکی تفاوت نوع روابط خانوادگی زنان شاغل ارامنه بر اساس سطح درآمد

(I) درآمد	(J) درآمد	تفاوت میانگین (I-J)	خطای معیار	Sig.	تفاوت میانگین در سطح ۹۵٪
زیر یک میلیون تومان	بین ۱ تا یک و نیم میلیون تومان	-۲/۲۶۶۷	۱/۸۵۵۷۹	۰/۰۱۵	۲/۵۷۰۸
	بین ۱ و نیم تا ۲ میلیون تومان	-۲/۳۰۰۰	۲/۶۶۳۹۵	۰/۸۳۴	۴/۶۴۴۰
	بالای ۲ میلیون تومان	-۲/۳۲۷۳	۲/۵۵۴۸۸	۰/۰۰۹	۴/۳۳۲۴
بین ۱ تا یک و نیم میلیون تومان	زیر یک میلیون تومان	۲/۲۶۶۷	۱/۸۵۵۷۹	۰/۰۱۵	۲/۵۷۰۸
	بین ۱ و نیم تا ۲ میلیون تومان	-۰/۲۳۳۳	۲/۹۷۸۳۹	۱/۰۰۰	۷/۷۳۰۳
	بالای ۲ میلیون تومان	-۰/۶۰۶	۲/۸۸۱۳۴	۱/۰۰۰	۷/۴۴۹۸
بین ۱ و نیم تا ۲ میلیون تومان	زیر یک میلیون تومان	۲/۳۰۰۰	۲/۶۶۳۹۵	۰/۸۳۴	۴/۶۴۴۰
	بین ۱ تا یک و نیم میلیون تومان	۰/۳۳۳۳	۲/۹۷۸۳۹	۱/۰۰۰	۷/۷۳۰۳
	بالای ۲ میلیون تومان	-۰/۲۷۲۳	۳/۴۵۷۴۹	۱/۰۰۰	۸/۹۸۵۲
بالای ۲ میلیون تومان	زیر یک میلیون تومان	۲/۳۲۷۳	۲/۵۵۴۸۸	۰/۰۰۹	۴/۳۳۲۴
	بین ۱ تا یک و نیم میلیون تومان	-۰/۶۰۶	۲/۸۸۱۳۴	۱/۰۰۰	۷/۴۴۹۸
	بین ۱ و نیم تا ۲ میلیون تومان	۰/۲۷۲۳	۳/۴۵۷۴۹	۱/۰۰۰	۸/۹۸۵۲

نتایج حاکی از آن است که تفاوت سطح نوع روابط خانوادگی زنان با درآمد زیر ۱ میلیون تومان با زنان بین ۱ تا ۱/۵ میلیون تومان و همچنین با درآمد بالای ۲ میلیون تومان از نظر آماری معنادار است ($P < 0/05$). در ضمن با توجه به میانگین‌های به دست آمده سطح نوع روابط خانوادگی زنان با درآمد بین ۱/۵ تا ۲ میلیون تومان بالاتر است و حاکی از روابط بین متغیرهاست.

در نظریه منابع، تقسیم قدرت در خانواده و پایگاه قدرت هریک از همسران، متأثر از منابع در دسترس هر یک از آن‌ها و انتظارات هنجاری ارزشی از زن و شوهر است؛ به بیان دیگر، هر چه منابعی که شخص در اختیار دارد بیشتر باشد، از قدرت بیشتری نیز برخوردار است. بر اساس این نظریه فرض می‌شود که درآمد، پایگاه شغلی و مانند آن، از متغیرهایی بشمار می‌روند که بر توزیع قدرت و شیوه تصمیم‌گیری در خانواده تأثیر می‌گذارند و شکل ساختار قدرت در خانواده را تبیین می‌کنند (احمدی و کمالی سروستانی، ۲۰۰۳). از نظر کالینز (۱۹۹۳) وقتی یکی از دو جنس به گونه نسبی منابع مادی را در کنترل خود دارد این جنس صاحب قدرتی خواهد شد که توان کنترل روابط جنسیتی را خواهد داشت و از این راه می‌تواند این شکل از کنترل رابطه و مناسبات را به نظام خانواده سرایت دهد. نتیجه فرضیه تحقیق حاضر با نظریه منابع که بر اساس رهیافت مبادله، توزیع قدرت در بین زن و شوهر را در تصمیم‌گیری‌ها تبیین می‌کند همسو است. این منابع ارزشمند به طور اخص شامل شغل و قدرت مالی زن و شوهر است که آن‌ها با توجه به میزان برخورداری از این منابع دارای قدرت تصمیم‌گیری در خانواده می‌شوند (ریترز، ۲۰۰۸). یافته‌های پژوهش میشل نشان داد که کار بدون درآمد سبب افزایش اقتدار زن در خانه نمی‌شود. از سوی دیگر، میشل دریافت که با افزایش تخصص زنان شاغل، موفقیت آن‌ها در توازن قدرت بین زوج‌ها بهتر می‌شود و در این میان، سطح درآمد زن، به‌ویژه در مقایسه با درآمد مرد، عاملی تعیین‌کننده بود. در تبیین این نتیجه می‌توان گفت افزایش منابع قدرت آور مانند اشتغال و سطح درآمد در بین زنان شاغل، وضعیت ایشان را در مناسبات و روابط خانوادگی بهبود می‌بخشد.

به نظر می‌رسد بین نوع شغل زنان آرامنه و الگوی قدرت آنان رابطه وجود دارد.

جدول (۱۰): اطلاعات توصیفی الگوی قدرت زنان آرامنه بر اساس نوع شغل آن‌ها

نوع اشتغال	تعداد	میانگین	انحراف معیار	خطای معیار	تفاوت میانگین در سطح ۹۵٪		کمترین	بیشترین
					حد پایین	حد بالا		
تولیدی	۱۰	۴۳/۱۰	۱۳/۴۴	۴/۲۵	۳۳/۴۸	۵۲/۷۲	۱۶	۵۹
خدماتی	۶۶	۱۹/۹۰	۶/۵۱	۲/۰۶	۱۵/۲۵	۲۴/۵۵	۱۲	۷۰
آموزشی	۴۴	۲۱/۶۱	۷/۹۷	۰/۹۸	۱۹/۶۵	۲۳/۵۷	۱۹	۷۰
کل	۱۲۰	۲۳/۰۷	۶/۰۴	۰/۹۱	۲۱/۲۳	۲۴/۹۰	۱۲	۷۰

اطلاعات جدول نشان می‌دهد الگوی قدرت زنان شاغل در کارهای تولیدی بیشتر و بالاتر از الگوی قدرت زنان شاغل در بخش‌های آموزشی و خدماتی است. برای روشن شدن موضوع تفاوت بین الگوی قدرت زنان بر اساس نوع اشتغال آن‌ها از آزمون تحلیل واریانس یک‌راهه استفاده شد.

بررسی تأثیر اشتغال زنان آرامنه بر روابط درون خانواده در شهر تهران

جدول (۱۱): تحلیل واریانس یکراهه الگوی قدرت زنان بر اساس نوع شغل آن‌ها

منبع تغییر	مجموع مجدورات	درجه آزادی	میانگین مجدورات	F	P
بین گروهی	۳۱/۶۶۷	۲	۱۵/۸۳۴	۴/۱۰۲	۰/۰۰۳
درون گروهی	۱۸۱۳۸/۶۵۸	۱۱۷	۱۵۵/۰۳۱		
کل	۱۸۱۷۰/۳۲۵	۱۱۹			

بر اساس اطلاعات جدول ۱۱ الگوی قدرت زنان بر اساس نوع اشتغال آن‌ها ($f=4/102$) و ۱۱۷ و $df=2$ متفاوت است ($P < 0.05$). می‌توان نتیجه گرفت که بین نوع اشتغال زنان آرامنه و الگوی قدرت آن‌ها رابطه وجود دارد.

جدول (۱۲): آزمون تعقیبی توکی تفاوت الگوی قدرت زنان بر اساس نوع شغل آن‌ها

شغل (I)	شغل (J)	تفاوت میانگین (J-I)	خطای معیار	Sig.	تفاوت میانگین در سطح ۹۵٪
تولیدی	خدماتی	۰/۸۸۷۹	۴/۲۲۵۱۷	۰/۹۷۶	حد پایین -۹/۱۴۲۳ حد پایین ۱۰/۹۱۸۱
آموزشی	آموزشی	-۰/۱۷۲۷	۴/۳۶۱۹۴	۰/۹۹۹	حد پایین -۱۰/۵۲۷۶ حد پایین ۱۰/۱۸۲۱
خدماتی	تولیدی	-۰/۸۸۷۹	۴/۲۲۵۱۷	۰/۹۷۶	حد پایین -۱۰/۹۱۸۱ حد پایین ۹/۱۴۲۳
آموزشی	آموزشی	-۱/۰۶۰۶	۲/۴۲۳۳۰	۰/۰۰۰	حد پایین -۶/۸۱۳۳ حد پایین ۴/۶۹۲۱
آموزشی	تولیدی	۰/۱۷۲۷	۴/۳۶۱۹۴	۰/۹۹۹	حد پایین -۱۰/۱۸۲۱ حد پایین ۱۰/۵۲۷۶
خدماتی	خدماتی	۱/۰۶۰۶	۲/۴۲۳۳۰	۰/۰۰۰	حد پایین -۴/۶۹۲۱ حد پایین ۶/۸۱۳۳

اطلاعات جدول ۱۲ نشان می‌دهد الگوی قدرت زنان شاغل در کارهای تولیدی بیشتر و بالاتر از الگوی قدرت زنان شاغل در بخش‌های تولیدی و خدماتی است و با توجه به میانگین‌های به دست آمده الگوی قدرت زنان دارای مشاغل تولیدی بیش از دو گروه دیگر است. بنابراین می‌توان به این نتیجه دست یافت که بین نوع اشتغال زنان آرامنه و الگوی قدرت در بین آن‌ها رابطه وجود دارد.

نتیجه فرضیه تحقیق حاضر با نظریه منابع که بر اساس رهیافت مبادله، توزیع قدرت در بین زن و شوهر را در تصمیم‌گیری‌ها تبیین می‌کند همسو است. بنیاد این نظریه برای توزیع قدرت در خانواده برحسب منابعی است که هر یک از زن و شوهر در ازدواج به خانواده آورده‌اند. این منابع ارزشمند به‌طور اخص شامل شغل و قدرت مالی زن و شوهر است که آن‌ها با توجه به میزان برخورداری از این منابع دارای قدرت تصمیم‌گیری در خانواده هستند (ریتزر^۱، ترجمه ثلاثی، ۲۰۰۸) و همچنین با نظریه کالینز، همخوانی دارد که بر اساس آن زمانی که یک جنس وسایل زور را کنترل می‌کند این جنس توان بهره‌گیری از این قدرت را برای تسلط بر جنس مقابل دارد و از این طریق می‌تواند یک نظام جنسیتی نابرابر را ایجاد کند؛ از طرفی دیگر، وقتی یکی از دو جنس به گونه نسبی منابع مادی (درآمد) را در کنترل خود دارد، این جنس صاحب قدرتی خواهد شد که توان کنترل روابط جنسیتی را خواهد داشت و از این راه می‌تواند این شکل از کنترل مناسبات و رابطه را به نظام خانواده سرایت دهد در چنین مواقعی جنس با قدرت کم، باید در پی اخذ منابعی باشد تا بر عدم برتری قدرت مادی و اقتصادی فائق شود. نظریه‌پردازان تئوری منابع معتقدند که مردان در خانواده بیشتر از زنان به منابع و امکانات ارزشمند

نظیر تحصیلات و اشتغال دسترسی دارند. در نتیجه درآمد حاصل از اشتغال، یکی از منابع ارزشمندی است که از سوی زنان وارد این رابطه شده و موجب تغییر رابطه قدرت در خانواده می‌گردد. نتایج فرضیه با تحقیقات ناییب و گلشنی (۱۳۹۲)، بات و همکاران (۲۰۰۳)، عنایت (۱۹۹۲) و نبوی، احمدی (۱۳۸۶) همسو است. به نظر می‌رسد بین سطح درآمد زنان شاغل آرامنه و الگوی قدرت آنان رابطه وجود دارد.

جدول (۱۳): الگوی قدرت زنان آرامنه بر اساس میزان درآمد آن‌ها

میزان درآمد ماهیانه	تعداد	میانگین	انحراف معیار	خطای معیار	تفاوت میانگین در سطح ۹۵٪		کم‌ترین	بیش‌ترین
					حد بالا	حد پایین		
زیر ۱ میلیون تومان	۷۵	۴۱/۰۵	۱۲/۷۸	۱/۴۸	۳۸/۱۱	۴۳/۹۹	۱۲	۶۹
بین ۱ تا ۱/۵ میلیون تومان	۲۴	۴۳/۹۲	۱۰/۷۰	۲/۱۸	۳۹/۴۰	۴۸/۴۴	۲۰	۶۲
بین ۱/۵ تا ۲ میلیون تومان	۱۰	۴۳/۶۰	۱۴/۸۱	۴/۶۸	۳۳/۰۰	۵۴/۲۰	۱۸	۷۰
بالای ۲ میلیون تومان	۱۱	۵۰/۱۸	۷/۸۷	۲/۳۷	۴۴/۸۹	۵۵/۴۷	۴۴	۷۰
کل	۱۲۰	۴۲/۶۸	۱۲/۳۶	۱/۱۳	۴۰/۴۴	۴۴/۹۱	۱۲	۷۰

اطلاعات جدول ۱۳ نشان می‌دهد الگوی قدرت زنانی که درآمد ماهیانه آن‌ها بالای دو میلیون است بیشتر و بالاتر از الگوی قدرت زنان در سایر گروه‌های درآمدی است.

جدول (۱۴): تحلیل واریانس یک‌راهه الگوی قدرت بر اساس درآمد ماهیانه آن‌ها

منبع تغییر	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	P
بین گروهی	۸۶۲/۶۶۹	۳	۲۸۷/۵۵۶	۱/۹۲۷	۰/۰۰۵
درون گروهی	۱۷۳۰۷/۶۵۶	۱۱۶	۱۴۹/۲۰۴		
کل	۱۸۱۷۰/۳۲۵	۱۱۹			

بر اساس جدول ۱۴ الگوی قدرت زنان بر اساس نوع اشتغال آن‌ها ($f=1/927$) و ۱۱۶ و $df=3$ تفاوت است ($P < 0/05$). بنابراین می‌توان به این نتیجه دست یافت که بین سطح درآمد زنان آرامنه و الگوی قدرت آن‌ها رابطه وجود دارد.

جدول (۱۵): تعقیبی توکی تفاوت الگوی قدرت بر اساس درآمد ماهیانه آن‌ها

(I) درآمد	(J) درآمد	تفاوت میانگین (I-J)	خطای معیار	Sig.	تفاوت میانگین در سطح ۹۵٪
زیر یک میلیون تومان	بین ۱ تا یک و نیم میلیون تومان	-۲/۸۶۳۳	۲/۸۶۶۵	۰/۷۵۰	۴/۷۰۳۸
	بالای ۲ میلیون تومان	-۲/۵۴۶۷	۴/۱۱۲۱۵	۰/۹۳۶	۸/۱۷۲۳
بین ۱ تا یک و نیم میلیون تومان	بالای ۲ میلیون تومان	-۹/۱۲۸۵	۳/۹۴۳۷۸	۰/۰۰۱	۱/۱۵۱۶
	زیر یک میلیون تومان	۲/۸۶۳۳	۲/۸۶۶۵	۰/۷۵۰	۱۰/۳۳۰۵
بین ۱ و نیم تا ۲ میلیون تومان	بالای ۲ میلیون تومان	-۰/۳۱۶۷	۴/۵۹۷۵۲	۱/۰۰۰	۱۲/۳۰۰۹
	زیر یک میلیون تومان	-۶/۲۶۵۲	۴/۴۴۷۵۶	۰/۴۹۷	۵/۳۲۸۲
بین ۱ و نیم تا ۲ میلیون تومان	بالای ۲ میلیون تومان	۲/۵۴۶۷	۴/۱۱۲۱۵	۰/۹۳۶	۱۳/۲۶۵۷
	زیر یک میلیون تومان	-۰/۳۱۶۷	۴/۵۹۷۵۲	۱/۰۰۰	۱۱/۶۶۷۵
بالای ۲ میلیون تومان	زیر یک میلیون تومان	-۶/۵۸۱۸	۵/۳۳۷۰۸	۰/۷۰۷	۷/۳۳۰۲
	بین ۱ تا یک و نیم میلیون تومان	۹/۱۲۸۵	۳/۹۴۳۷۸	۰/۰۰۱	۱۹/۴۰۸۶
بین ۱ تا یک و نیم میلیون تومان	بالای ۲ میلیون تومان	۶/۲۶۵۲	۴/۴۴۷۵۶	۰/۴۹۷	۱۷/۸۵۸۵
	زیر یک میلیون تومان	۶/۵۸۱۸	۵/۳۳۷۰۸	۰/۷۰۷	۲۰/۴۹۳۸

بررسی تأثیر اشتغال زنان ارامنه بر روابط درون خانواده در شهر تهران

نتایج آزمون تعقیبی توکی در جدول ۱۴ حاکی از آن است که تفاوت الگوی قدرت زنان با درآمد زیر ۱ میلیون تومان با زنان بالای دو میلیون از نظر آماری معنادار است. ($P < 0/05$) در ضمن با توجه به میانگین‌های به‌دست‌آمده الگوی قدرت زنان با درآمد بالای دو میلیون تومان بالاتر است. می‌توان نتیجه گرفت که بین سطوح درآمد زنان ارامنه و الگوی قدرت آن‌ها رابطه وجود دارد.

در نظریه منابع، تقسیم قدرت در خانواده و پایگاه قدرت هریک از همسران، متأثر از منابع در دسترس هر یک از آن‌ها و انتظارات هنجاری ارزشی از زن و شوهر است؛ به‌بیان‌دیگر هر چه منابعی که شخص در اختیار دارد بیشتر باشد، از قدرت بیشتری نیز برخوردار است. بر اساس این نظریه، فرض می‌شود که درآمد، پایگاه شغلی و مانند آن از متغیرهایی بشمار می‌روند که بر توزیع قدرت و شیوه تصمیم‌گیری در خانواده تأثیر می‌گذارند و شکل ساختار قدرت در خانواده را تبیین می‌کنند (احمدی و کمالی سروستانی، ۲۰۰۳). از نظر کالینز^۱ (۱۹۹۳) وقتی یکی از دو جنس به گونه نسبی منابع مادی را در کنترل خود دارد، این جنس صاحب قدرتی خواهد شد که توان کنترل روابط جنسیتی را خواهد داشت و از این راه می‌تواند این شکل از کنترل رابطه و مناسبات را به نظام خانواده سرایت دهد. در چنین مواقعی جنس با قدرت کم، باید در پی اخذ منابعی باشد تا بر عدم برتری قدرت مادی و اقتصادی چیره شود.

یافته‌های پژوهش میشل^۲ نشان داد که کار بدون درآمد سبب افزایش اقتدار زن در خانه نمی‌شود. از سوی دیگر، میشل دریافت که با افزایش تخصص زنان شاغل، موفقیت آن‌ها در توازن قدرت بین زوجها بهتر می‌شد. در این میان، سطح درآمد زن، به‌ویژه در مقایسه با درآمد مرد، عاملی تعیین‌کننده بود. نتایج تحقیق حاضر با تحقیق زو و بیان (۲۰۰۵) و جاراللهی (۱۳۷۱) همسو می‌باشد. زو و بیان نشان دادند که چگونگی دسترسی زنان چینی به منبع کار و درآمد، از یک‌سو به‌صورت مستقیم نقش آن‌ها را در تصمیم‌گیری‌های خانوادگی افزایش داده و از سوی دیگر به‌صورت غیرمستقیم با تعدیل نگرش‌های نقش جنسیتی، موقعیت آنان را در روابط الگوی قدرت با شوهرانشان بهبود بخشیده است؛ بدین ترتیب افزایش منابع قدرت آور مانند اشتغال و درآمد در بین زنان، وضعیت روابط و مناسبات خانوادگی آنان بهبود می‌دهد. نتایج تحقیق جاراللهی (۱۳۷۱) حاکی از این بود که علی‌رغم مخالفت اکثر زن و شوهرهای موردبررسی با اشتغال زن، ۸۴/۵ درصد از زنان به خاطر نیاز مالی شاغل شده‌اند، اشتغال آنان وضع اقتصادی خانواده را بهبود بخشیده است و زنان شاغل بیش از زنان غیر شاغل از همکاری همسران خود در انجام امور خانگی برخوردارند.

بحث و نتیجه‌گیری

اشتغال به معنای پشتوانه مالی، خوداتکایی یا استقلال مالی، تغییر طبقه اجتماعی و رسیدن به سطوح عالی‌تر در سلسله‌مراتب اجتماعی، امکان ادامه تحصیل فرزندان در خانواده با درآمد بیشتر، بهبود وضع اقتصادی خانواده (کمک‌خرج بودن) زنان را به اشتغال بیرون از خانه واداشته است. از آنجایی که تحقیقی در خصوص اشتغال زنان ارامنه و تأثیر اشتغال آنان بر خانواده‌هایشان صورت نگرفته است برای تحلیل و مقایسه لذا تنها از مستندات و نتایج حاصله از آزمون‌های تحقیق در بخش نتیجه‌گیری استفاده شده است که نتایج نشان می‌دهند که سطح روابط در خانواده زنان شاغل ارامنه در کارهای خدماتی بیشتر و بالاتر از زنان در بخش‌های تولیدی و آموزشی است. زنان شاغل در بخش خدمات در زندگی خصوصی خود در زمینه‌ی تصمیم‌گیری‌ها بیشتر از دو گروه دیگر دخالت دارند و بیانگر قدرت فعالیت و توجه آنان به امور خانواده را نشان می‌دهد. همچنین حضور زنان شاغل ارامنه در اجتماع و کسب منزلت و آگاهی اجتماعی انگیزه‌ی مهمی در اشتغال آنان بوده است و هرچه انگیزه‌های اشتغال آنان (اجتماعی، مالی و شخصیتی) افزایش می‌یابد سطوح روابط آنها نیز در خانواده ارتقاء خواهد یافت.

با توجه به نتایج برآمده از پژوهش، پیشنهادهای زیر در جهت گسترش روابط درون خانواده ارائه می‌شود:

- زمینه لازم را جهت ارتقاء کل زنان به‌طور اعم و زنان ارامنه به‌طور اخص در سطوح مختلف شغلی فراهم گردد.

- آگاهی‌های لازم به شوهران در مورد اشتغال زنان و تأثیرگذاری آن بر بنیان‌های اقتصادی و فرهنگی خانواده داده شود.

- با توجه به اهمیت مساوات و عدالت اجتماعی و اقتصادی، باید با مصوبه‌های قانونی رفع تبعیض استخدامی زنان ارامنه و رفع محدودیت‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی برای آزادسازی فعالیت‌های این قشر از جامعه تصویب شود

- از آنجایی که عامل اقتصادی، بیش‌تر از دیگر عوامل بر گرایش زنان ارامنه به اشتغال خارج از منزل تأثیر دارد، توصیه می‌شود که برنامه‌ریزی اصولی پیرامون اشتغال زنان صورت گیرد و هم‌زمان با حرکت در مسیر رشد اقتصادی پویا و معطوف به توسعه‌ی اجتماعی، باید برای برپایی مهدکودک‌هایی در استطاعت زنان طبقات مختلف کوشش کنیم و این مؤثرترین شیوه حمایت از زنانی است که می‌خواهند با مشارکت مستقیم در نان‌آوری، خانواده‌های خود را حمایت می‌کنند.

بررسی تأثیر اشتغال زنان ارامنه بر روابط درون خانواده در شهر تهران

منابع

- احمدی، حبیب؛ کمالی سروستانی، آمنه. (۱۳۸۲). روان‌شناسی اجتماعی، شیراز: مرکز نشر دانشگاه شیراز.
- ارجمند، الهام؛ صداقتی فرد، مجتبی. (۱۳۸۹). انگیزه‌های زنان ایرانی از شرکت در فعالیت‌های اجتماعی پژوهشی در شناسایی مؤثر بر مشارکت زنان (مطالعه موردی: زنان ۲۰ تا ۳۴ ساله شهر سمنان)، زن و جامعه (جامعه‌شناسی زنان) دوره ۱، شماره ۲، صص ۹۷ تا ۱۲۲.
- اعزازی، شهلا. (۱۳۸۹). جامعه‌شناسی خانواده، تهران، انتشارات روشنگران و مطالعات زنان، چاپ هفتم.
- افشاری، زهرا؛ شبیانی، ابراهیم. (۱۳۸۰). تجزیه جنسیتی بازار کار در ایران، پژوهش زنان، فصلنامه مرکز مطالعات و تحقیقات زنان، دانشگاه تهران، دوره ۱، شماره ۱.
- باغداساریان، ادیک. (۱۳۸۰). نگاهی به تاریخ ارمنی‌های تهران، نشر احسان.
- توسلی، غلامعباس. (۱۳۸۲). آیا می‌توان بین کار زن در خانه و کار بیرون آشتی برقرار کرد، تهران: نشریه مطالعات اجتماعی - روان‌شناسی زنان، دوره ۱، شماره ۲، صص ۳-۲۶.
- خوش‌بین، ملیحه. (۱۳۹۱). نیمه پنهان تاریخ - عصر پهلوی، سایت مهرخانه.
- دانش، عصمت. (۱۳۸۲). اشتغال زن و مسائل آن از دیدگاه‌های مختلف، تهران: انتشارات دریای اندیشه، دفتر بین‌الملل کار، (۱۹۸۵)، ژنو.
- روشن‌فر، مرضیه. (۱۳۸۲). زن اشتغال و مالکیت، تهران: نشر برگ زیتون، چاپ اول.
- ریتزر، جورج. (۱۳۸۹). نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی، چاپ پانزدهم.
- ساروخانی، باقر. (۱۳۹۳). مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده، تهران: سروش، چاپ بیستم.
- شریعتمداری، علی. (۱۳۷۷). روان‌شناسی تربیتی، تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
- شیخی، محمدتقی. (۱۳۸۷). جامعه‌شناسی زنان و خانواده، تهران: نشر شرکت سهامی انتشار، چاپ دوم.
- فاضلی، نعمت‌الله؛ رسولی، محمد. (۱۳۹۱). بررسی روابط تعامل بین فرهنگی و شهروندی پژوهش انسان‌شناختی در ارامنه تهران، مجله پژوهش‌های انسان‌شناسی ایران، دانشگاه تهران، دوره ۲، شماره ۲، صص ۷-۲۷.
- کار، مهرانگیز. (۱۳۸۷). زنان در بازار کار ایران، تهران: انتشارات روشنگران و مطالعات زنان.
- کوئن، بروس. (۱۳۹۴). درآمدی بر جامعه‌شناسی خانواده، تهران: نشر توتیا، چاپ ۳۱.
- گودرزی، ثریا. (۱۳۸۸). اثرات اشتغال زنان بر خانواده، مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران، دوره ۲، شماره ۱، صص ۵۸-۵۱.

- لاجوردی، هاله. (۱۳۷۶). ساختار قدرت در خانواده، تهران: دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- لیزینا، آ (۱۳۷۵)، الگوهای ارتباطی، ترجمه محمدجعفر مدبرنیا، تهران: نشر دنیای نو.
- محسنی، منوچهر. (۱۳۷۹). بررسی آگاهی‌ها، نگرش‌ها و رفتارهای اجتماعی - فرهنگی در ایران، وزارت ارشاد اسلامی، دبیرخانه شورای فرهنگ عمومی کشور.
- مرکز امور مشارکت زنان. (۱۳۸۰). زنان، توسعه و تعدد نقش‌ها، تهران: انتشارات برگ زیتون.
- مرکز آمار ایران (۱۳۹۲)، سالنامه آماری کشور.
- نایبی، هوشنگ؛ گلشنی، میمنت. (۱۳۹۲). تأثیر منابع در دسترس زنان بر قدرت تصمیم‌گیری در خانواده (مطالعه تجربی شهر بابل).
- نبوی، سید عبدالحسین؛ احمدی، لیلا. (۱۳۸۶). بررسی تأثیر عوامل اجتماعی در نابرابری جنسیتی در خانواده (نابرابری در قدرت تصمیم‌گیری)، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره ۸، ش ۲.
- همتی، فاطمه. (۱۳۸۴). مقایسه تأثیر ساعت کار ثابت و متغیر بر احساس فشار روانی زنان شاغل متأهل و اثر آن بر کارایی خانواده. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.
- هوویان، آندرانیک. (۱۹۸۴). آرامنه ایران، تهران: انتشارات هویس.
- Allendorf, Keera. (2012). Marital Quality from a Rural Indian Context in Comparative Perspective. *Journal of Comparative Family Studies* 43(4): 527-544.
- Baghban, a. Moradi, M. (2003). The efficacy of family therapy on marital conflict in divorce request. *Qartely of science & research*: 16, 32-47.
- Baran, Hasmig. (2012). The role of ethnic culture in work-family balance among Armenian women in leadership positions in higher education. University of Southern California.
- Fron.M. R. (2003). hand book of occupational haelt psychology.
- Gilbert, L. A. & Brownson, C. (1998). Current perspectives on women's multiple
- Gillpatrick, S. (2008). 7 Ways couples add conflict to conflict. Centerstone, Wellness program.
- Noller, P. & Feeney, J. A. (2005). Relation between Attachment Styles and Marital Conflicts through the Mediation of Demographic Variables in Couples, *International Journal of Medical Research & Health Sciences*, 2016, 5, 11: 643-652.
- Roles. *Journal of Career Assessment*, 6(4), 433-448.
- Tavasoli ,Ghola Abba. (2007). can we reconcile womens Houskeeping with outside work. *New Chalenges in work and employment*, Montreal, August 27-27.
- Tavormina, joseph. b. (1978). Power Relationships in Families: A Social-Exchange Perspective, *Family process*, Volume 17, Iissu4, pagess 423-436.